

راه مبارزه با فقر

در شماره دوم کتاب فصل در پیرامون فقر اقتصادی مطالبی نوشته شد اینک در این شماره هم دنباله آن را مطالعه میفرمائید .

اگرچه گروهی از مردم از مرض خطرناک و بالای خانمانسوز فقر و تهیدستی و بینوائی برکنار بوده و گرد آن هم بدامنشان ننشسته است و همواره غرق در ناز و نعمت و خوشبها زندگی را ادامه داده اند و هر وقت هر چه خواسته و اراده کرده اند در برابرشان آماده و مهیا گردیده است و خود این باعث انحرافات اخلاقی آنها شده و یکباره همه چیز را در بوته فراموشی قرار داده اند ولی اغلب طبقات کم و بیش از این خطر خانمانسوز اجتماع انسانی باخبرند و میدانند بزرگترین بلا بر پیکر اجتماع همان فقر اقتصادی است که جمعی از برادران و خواهران و فرزندان نوعی آدمی فلج در زندگی باشند و زردی چهره آنان نشان دهد که بگردد نانی محتاجند و برای تامین آن سرگردان و حیران مانده اند، بنگرد و مشاهده

کند و از همه بالاتر بدان توجهی ننماید و اعتنائی نکند .
 خدا یا مگر اینان ابناء بشر نیستند ! مگر اینان بندگان عزیز تو
 نمی باشند ؟ مگر اینان شریک زندگی ما قرارشان نداده ای ؟ مگر
 دستگیری اینان را به توانگران امر نفرمودی ؟ مگر اغنیاء يك لحظه هم
 بیاد گرسنگان نیافتاده اند ، آخر خدایا همواره باید از این انسانها
 صدای گرسنگی و بینوائی و فقری بلند باشد ؟ تا کی اطفال بی پناه این
 مستمندان در این روزهای طولانی با گرسنگی و گرما باید ادامه زندگی
 دهند و بنالند و خدا خدا گویند و بی چیزی و محرومیتهای دیگر آنها را
 رنج دهد ؟ اینان از یکطرف باید تحمل و صبر بر تهیدستی و بی نوائی کرده
 و بر خود هموار نمایند و چاره ای نجویند و از طرفی دیگر ناز و کبر و خود-
 فروشی و بیخبری اغنیاء که دامن کشان در آنها میگردند و از آنها میگذرند
 و بالاتر مورد ملامت و اهانتهان قرار میگیرند آری اینگونه مناظر و
 دیدنیها آنها را بغغان و ناله در میآورد مسلم فکر و عقل سالم و عاطفه
 نوه دوستی قضاوت بر این میکند که کمک به محرومین اجتماع ممدوح
 است و عقلا و خردمندان و علماء قوم و شرع و دین چنین ، حکم
 میکنند که ابناء انسانی باید در کلیه مراحل با هم شریک باشند و همه در خوشی
 و در دوغم سهیم گردند پایه و اساس دین و آمدن انبیاء برای همین منظور
 بوده که تعادل زندگی را در انسانها برقرار نمایند و بعالم ماورائی متوجه
 و مؤمن گردانند و باین همه تضادهای زندگی که بیشتر در اثر فقر بوجود
 میآید خاتمه دهند که گروهی در آسمان خراشها با مدرنترین وسائل
 زندگی در پیکر مهرویان هم آغوش نگشته و فقط جهان و عالم را همین دانند
 و بس ، و جمعی دیگر از ضروریات اولیه زندگی محروم باشند . آری

ادیان الهی عموماً و خصوصاً اسلام آمد تا این همه فاصله ها را از میان بردارد و انسانها را بهم نزدیک نماید .

امروز بالاترین موضوعی که پایه و ریشه تمام بدبختیها و دشواریها میتوان نامید و گفت، همان فقر و بی نوائی است .

گرسنگی و بیچارگی بر اجتماع و کشوری اگر سایه انداخت آنوقت آماده همه گونه خطرها میگردد و در پرنگاه سقوط قرار گرفته است لذا سران قوم و دانشمندان و علماء و متفکرین کشورها و ملتها میکوشند تا این خطر را برطرف کنند و دوی این مرض را کشف نمایند و تمام انسانها را مصونیت از این مرض مهلك دهند آنها کتابها نوشته سخنرانیها کرده و فکرها نموده اند که چه باید کرد؟ و در صد چهاره ای بوده اند، برای نمونه گوشه ای از نوشته جانسون رئیس جمهوری فعلی آمریکا که تا حدی فقرا را تشریح کرده و آقای صالحیار ترجمه نموده است می نویسم :

«من معنای فقر را میدانم فقر یعنی انسان بجای اینکه در صف کنترل خروج سوپر مارکت بایستد ، در ردیف طولانی استفاده از مازاد محصولات غذائی انتظار میکشد فقر یعنی انسان بجای نگرانی نداشتن تلویزیون رنگی ، به خاطر آب جاری مورد احتیاج روزانه خود با مضیقه مواجه گردد، فقر یعنی بجای اینکه مشتاق استفاده از مرخصی باشد از بدست آوردن شغلی ، مأیوس و ناامید شود فقر یعنی انسان هر شب با دست خالی بخانه برود ، و بقیافه های مشتاق و آرزومند اطفال کوچک خود، که آنچه را لازم دارند برایشان فراهم نیست ، بنگردد . فقر یعنی مبارزه بیهوشی ، برای حفظ حس غرور و احترام خانوادگی که انسان در تأمین معاش آن درمانده است فقر نه تنها بر احتیاجات جسمانی انسان ضرر میزند بلکه

روح را نیز هدف حمله خود قرار میدهد و شان و منزلت بشری را بیازی میگیرد» (۱)

بلکه بالاتر از این گفته‌ها رهبر و هادی انسانها حضرت محمد ﷺ میفرماید: **کاد الفقرا بكون كفرا** آن انسان که دست بگریبان فقر و بینوائی شد نزدیک آن گردیده که در دامن هر گونه بدبختی و فسادی که از کفر و بی‌دینی برمیخیزد قرار گیرد بطوریکه ملاحظه شده و باید اعتراف کرد فقر اساسی‌ترین پایه‌های اختلافات و هر جرم و جرم وجود آمدن شکاف میان توده مردم و طبقات و دولت و ملت است و بالاترین عامل خرابیها و ویرانیاها و این کشتار دسته جمعی در میان نسلهای بیشتر از نظر احساس احتیاج و بی‌نوائی می‌باشد. بنابراین رهبران بزرگ و مسئولین اجتماع سعی داشتند حتی المقدور با آن مبارزه کنند بطوریکه اشاره کردم چهارده قرن قبل مصلح کمال یعنی پیغمبر بزرگوار اسلام بر نامه‌های اقتصادی مردم را پایه‌گذاری فرمود و برای تعدیل ثروت قوانینی آورد و بیاناتی ایراد کرد و این موضوع غامض بزرگ جهانی را حل نمود و اکنون هم باید اذعان کرد و نرشت و گفت برای ایجاد حکومت عادلانه و تعدیل سرمایه‌ها و ثروتها ایجاب میکند سران حکومتها و احزاب کفرانساها و متینگها و بالاخره همه‌ی فعالیتها را که برای زندگی بهتری انجام میدهند با برنامه‌های مترقیانه اسلام تطبیق نمایند، مقابله کنند و این فقط صرف ادعا نیست، چیزی است که مردان خردمند و متخصصین درین قانونها جملگی بر آنند و غیر ازین عقیده و تمسک بدین قانون و دین غیر ممکن است سران و مسئولین اجتماع بتوانند راه دیگری بدست آورند

اگر چه دانش‌پیشرفت کند و سطح تولید و اقتصاد هم هر چند بالاتر رود و قوس صعودی را بپیماید ولی حل این مسئله و ایجاد یک دنیای معتدل با این بر نامه - ها قابل قبول نیست و شاهد مدعا اکنون آشکار است با اینکه بکرات دیگر این انسان دست یافته است ولی در این گیتی بی‌نویان و محرومین و طبقه مستمندان اکثریت دارند آخر در کدام کشور و چه شهر و آبادی است که فقیر و مردم مستمند و بیچاره و بی‌کار و گرسنه و برهنه و بی‌خانه و لانه نباشد چرا باید گروهی در کنار خیابانها و گذرها در میان آفتاب سوزان و پیر حرارت و دخمه‌ها برای جام آبی همی آه گرم اذل بیرون آورند و گروهی دیگر در باغها و مزرعه‌ها و پلاژها و کاخها و ویلاها که چون بهشت شداد در خان سرسبز سربلغث آورده خرامیده و بیاد این انسانها هم لحظه ای نیافتند آیا تصور می‌رود خدای آنان، وجدان، انسانیت و قوانین عادلانه چنین حکمی نکرده و برای فقرا در اموال اغنیاء هم سهمی معین نفرموده؟ چرا سهامی را برای یگان در اختیارشان نهد و از سهامداران نشان دانسته است!

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پس چرا این انسان، باید چنین بی‌رحمانه زندگی کند؟ چرا نباید بخود آید و چشمی هم باین انسانهای بی‌نوا اندازد چرا اکثریت طبقه متمکن با اصطلاح فتودیسم و هم چنین طبقه حاکمه فقط بجز اطراف زندگی شخص و مقام خود را نمی‌توانند بنگرند چرا نباید از این حصار پولادین آزو شهوت خود را نجات دهند؟ و آنرا سر کوب منطق و عقل و دین نمایند و در هر حال و کار و شغل و حرفه و مقام و پستی قرار گرفته - اند خود را گم نکرده و نیازند و بر این انسانهای ناتوان از زندگی هم فکری نکنند و آنها را از اعضای پیکر خود بدانند آنها همچنانکه برای اعضاء و

افراد خانواده خویش دلسوزی میکنند در توسعه و گسترش زندگی تمام انسانها که از اعضا و افراد اجتماع می باشد وظیفه وجدانی و دینی دارند بکشند و آحاد انسانها را در مراحل زندگی خویش شریک بدانند تا در امور زندگی مسؤلیتهای اجتماعی که بر عهده دارند عادلانه اجرا گردد اکنون در اینجا ، کاربکشور های دیگر نداریم ما بر سر کشور گل و بلبل و سرزمین اسلامی خودمان ایران عزیز صحبت میکنیم که تا علاقمندان باین آب و خاک و افراد و اجتماع آنرا بهتر و بیشتر بشناسند برای این منظور بد نیست گوشه ای از نوشته کیهان شماره ۹۰۷۵ را بخوانید .

«من وقتی فرانسه بودم بعضی از دوستانم گفتند در سوئیس به ایرانیها ملک و زمین نمی فروشند و میگویند ایرانیها از بس خانه و زمین خریده اند جا را بر مردم سوئیس تنگ کرده اند و قیمت ملک و زمین را بطور غیر عادی بالا برده اند قبل از آنهم شنیده بودم که بانکهای سوئیس بهای فرعی پول را کم کرده اند، از بس ایرانیها پول برده اند و آنجا گذاشته اند من ضامن صحت و سقم این مطلب نیستم

گر ترا این حدیث روشن نیست جامع علوم عهده بر راوی است و بر من نیست اگر هم مبالغه ای در این باشد خالی از حقایق هم نیست»

البته آقایان حق دارند ایران بهشت برین است جای ویرانی یافت نمی شود، گرسنه ای وجود ندارد، برهنه ای بچشم نمی خورد بی سواد ی سراغ ندارند بنظر این طبقه اجتماع همه جا آباد و اصلاح است! و یاینان از آب خاک دگرو شهر و دیار دگر ندویا آنان از مقام انسانیت و تمام صفات انسانی سقوط کرده و بجز عالم ماده و مکیدن خونهای اجتماع چون زالود دیگر درک چیزی نکرده و نمیکنند و گرنه کجا انسان سالم و باعاطفه و متدین

و علاقمند با استقلال میهن و مؤمن بدستورات دینی میتوانند این اندازه از اجتماع محروم فاصله گیرد و بی توجه بماند و یکباره چشم و دل و گوشش کرو کور و مرده گردد و این همه فریادهای گوناگون در او اثر نکند و ناله‌ها را نشنود؟! با وجودیکه از سخنان امام امیر المؤمنین است:

ان الله سبحانه فرض في اموال الاغنياء اقوات الفقراء فما
 جاع فقير الا بما منع غني والله تعالى جلاله سائلهم عن ذلك (۱)

خداوند سبحانه در دارائیهای توانگران روزیهای فقرا را واجب گردانیده است پس فقیری گرسنه نماند مگر بسبب آنچه توانگری باو نداده است در روز پاداش خداوندی که بزرگ است اغنیارا از این کار مؤاخذه و بازپرسی مینماید.

الذين ينفقون اموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية فلهم
 اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون (۲)

آن طبقه از مردم که اندوخته‌ها و اموال خود را شب و روز و آشکار و پنهان انفاق میکنند اجر و مزدشان با پروردگارشان می‌باشد و هیچ ترس و اندوهی آنها را فرا نخواهد گرفت.

(۱) (نهج البلاغه)

(۲) سوره بقره آیه ۲۷۲

ناتمام

برای يك جهش اجتماعي و اقتصادي احتياج
 به اميد عميق و ايمان محكم و عشق به زندگي داريم